

### گزارش

### پژشکیان: ترجیح منطقی، تکمیل پیروزی نیروهای مسلح در عرصه دیپلماسی است

رئیس‌جمهور با اشاره به شرایط کشور در مقابله با متجاوزان و نقش ملت ایران و نیروهای مسلح در ناکام‌گذاشتن دشمن تصریح کرد: ترجیح عقلانی، منطقی و مبتنی بر منافع ملی، این است که پیروزی نیروهای مسلح در میدان نبرد، در عرصه دیپلماسی نیز تکمیل و حقوق ملت ایران از موضع عزت و اقتدار تثبیت شود. مسعود پژشکیان دیروز در نشستی با فرمانده کل و جمعی از فرماندهان ارشد فراجا، ضمن دریافت گزارشی از عملکرد این نیرو در جریان جنگ تحمیلی اخیر، بر ضرورت تقویت ساختاری، تجهیزاتی و توسعه نقش مردم‌پایه فراجا در تأمین امنیت داخلی کشور تأکید کرد. رئیس‌جمهور در این نشست، پس از استماع گزارشی از اقدامات و عملکرد فراجا در حوزه‌های مختلف ازجمله تأمین امنیت داخلی کشور در دوران جنگ تحمیلی سوم، مدیریت میدانی شرایط امنیتی، پشتیبانی از امنیت عمومی، مقابله با تهدیدات و نیز آمار شهدا، مجروحان و خسارت‌ها و آسیب‌های وارده‌شده به مجموعه فراجا، با قدردانی از تلاش‌ها، مجاهدت‌های شبانه‌روزی، صادقانه، بی‌ادعا و مسئولانه این نیرو در جریان جنگ اخیر اظهار کرد: فراجا با وجود محدودیت‌ها و کمبود امکانات، در میدان تأمین امنیت داخلی کشور حضوری مؤثر، مقتدرانه و فداکارانه داشت و دولت خود را موظف می‌داند در مسیر تقویت این مجموعه، همه حمایت‌های لازم را به عمل آورد. پژشکیان با تأکید بر لزوم نوسازی و بازسازی زیرساخت‌ها و امکان آسیب‌دیده فراجا در جریان جنگ اخیر، تصریح کرد: دولت تأمین تجهیزات، بازسازی مراکز خسارت‌دیده و ارتقای توان عملیاتی و پشتیبانی فراجا را از وظایف قطعی خود می‌داند و هر آنچه در این زمینه لازم باشد، با جدیت دنبال و تأمین خواهد کرد. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازمهندسی ساختار نیروهای انتظامی و امنیتی با هدف تمرکززدایی، جابج‌سازی، ارتقای پوششش امنیتی و گسترش دامنه خدمت‌رسانی به شهروندان تأکید کرد و گفت: لازم است گروه‌های مطالعاتی و کارشناسی در این زمینه فعال شوند تا الگوهای نوین در این زمینه متناسب با شرایط کشور طراحی و اجرا شود. دولت نیز متعهد است موانع موجود را مرتفع کرده و هر آنچه در جهت تقویت فراجا ضروری باشد، تسهیل کند.

پژشکیان با اشاره به ریزکرد دولت در حوزه حکمرانی محله‌محور اظهار کرد: فراجا می‌تواند در این الگو نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای ایفا کند و مشارکت‌دادن مردم در فرایند تأمین امنیت، امنیت را به‌صورت مردم‌پایه و محله‌محور سازماندهی کند. رئیس‌جمهور افزود: استفاده از ظرفیت‌های مردمی، سرمایه اجتماعی و مشارکت فعال شهروندان در حوزه امنیت عمومی، می‌تواند علاوه بر ارتقای ضریب امنیت، اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی را نیز تقویت کند. پژشکیان با بیان اینکه در مسئله امنیت داخلی، اقدامات پیشگیرانه باید بر برخورد‌های سلبی و واکنشی اولویت داشته باشد، تصریح کرد: در چارچوب حکمرانی محله‌محور، پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی باید از متن محلات آغاز شود و سپس با نظام مراقبت، نظارت و پشتیبانی، فراجا نقش تسهیلگر، هماهنگ‌کننده و پشتیبان را ایفا کند.رئیس‌جمهور خاطر‌نشان کرد: اگر مردم در حوزه تأمین امنیت مشارکت داده شوند و احساس مسئولیت اجتماعی در محلات تقویت شود، بدون تردید میزان تخلفات، جرائم و آسیب‌های اجتماعی نیز کاهش خواهد یافت.

پژشکیان در بخش دیگری از سخنان خود، با مرور مجموعه مشکلات، چالش‌ها و حوادث پیش‌روی کشور از ابتدای آغاز به‌کار دولت، اظهار کرد: شاید بتوان گفت این مقطع از تاریخ کشور، در بسیاری از ابعاد، کم‌نظیر و حتی بی‌سابقه بوده است؛ چراکه با جنگی پیچیده‌تر، سخت‌تر، ناجوانمردانه‌تر و نامتوازن‌تر مواجه شدیم. رئیس‌جمهور افزود: در عین حال، با وجود همه سختی‌ها، یقین داریم که در دل این حوادث خیر و حکمتی نهفته است و زمانی که خداوند ببیند دولت‌مردان نیروهای مسلح و مردم با صداقت و اخلاص در میدان دفاع از کشور ایستاده‌اند، قطعا نصرت و پیروزی را نصیب ملت خواهد کرد. پژشکیان با بیان اینکه این جنگ عزیزی را از ملت ایران گرفت که فقدان آنان ضایعه‌ای سنسکین و جبران‌ناپذیر برای کشور است، افزود: جای رهبر شهید، فرماندهان عزیز و مسئولانی که در این مسیر به شهادت رسیدند، برای ملت و نظام بسیار خالی است. شهادت برای آنان فیضی عظیم و الهی بود و برای ما که مانده‌ایم، اندوهی سنسکین و مسئولیتی بزرگ بر جای گذاشته است. رئیس‌جمهور در ادامه با اشاره به شرایط کشور در مقابله با متجاوزان و نقش ملت ایران و نیروهای مسلح در ناکام‌گذاشتن دشمن، خاطر‌نشان کرد: ملت بزرگ ایران و نیروهای مسلح مقتدر کشور توانستند با ایستادگی و اقتدار، دشمن را در دستیابی به اهداف ناکام گداشته و او را وادار به پذیرش آتش بس و توقف جنگ کنند.

### یادداشت

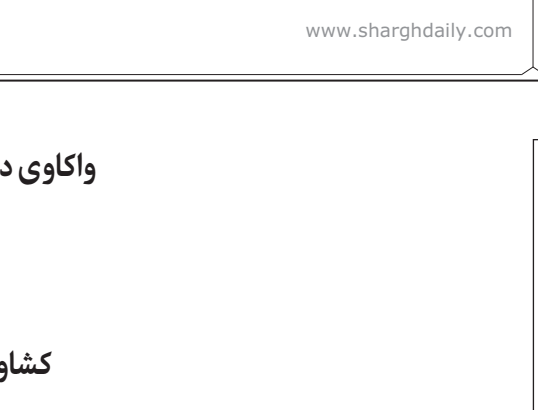
### کیش ومات در ایران

یکی‌کین همچنین از راهبرد دولت ترامپ به‌شدت انتقاد می‌کند.
به گفته او، سیاست آمریکا مجموعه‌ای از تشدید تنش‌های نظامی -از حملات هوایی گرفته تا فشار اقتصادی و محاصره- بوده، بدون آنکه هدف سیاسی روشنی یا نقشه خروج واقع‌بینانه‌ای وجود داشته باشد. او معتقد است دولت آمریکا وارد جنگی شده که نه می‌تواند به‌سادگی از آن خارج شود و نه ابزار لازم برای پیروزی قاطع در آن را دارد.

یکی دیگر از محورهای اصلی مقاله این است‌که رهبران ایران باور دارند می‌توانند بیشتر از آمریکا دوام بیاورند. نویسنده می‌گوید تهران روی فرسایش ارتداد سیاسی واشنگتن حساب کرده و معتقد است جامعه آمریکا و متحدان غربی، فشار اقتصادی ناشی از بحران انرژی و خطر جنگ طولانی را زودتر از ایران تحمل‌ناپذیر خواهند یافت. به‌همین‌دلیل ایران نیازی نمی‌بیند که فورا امتیاز بدهد یا عقب‌نشینی کند.

یکی‌کین سپس به گزینه‌های پیش‌روی آمریکا می‌پردازد و استدلال می‌کند که تقریبا همه آنها بد هستند. از دید او، حمله زمینی گسترده به ایران به دلیل جغرافیا، وسعت کشور، جمعیت و تجربه جنگ‌های گذشته، بسیار پرهزینه و شاید غیرممکن است. در مقابل، ادامه حملات محدود دیپلوماسی نیست ساختار حکومت ایران یا توان مقاومت آن را از بین ببرد؛ بنابراین آمریکا در وضعیتی گرفتار شده که هر تصمیمی می‌تواند اوضاع را بدتر کند.

در پایان، مقاله پیش‌بینی می‌کند که اگر جنگ متوقف شود، احتمالا این کار از طریق توافقی انجام خواهد شد که در عمل بسیاری از خواسته‌های ایران را به رسمیت می‌شناسد؛ توافقی که دولت آمریکا ممکن است آن را «پیروزی» معرفی کند، اما از نگاه نویسنده بیشتر شبیه پذیرش شکست خواهد بود. به باور یکی‌کین، مهم‌ترین پیامد این بحران، ضربه‌ای است که به هژمونی، قدرت نرم و اعتبار جهانی آمریکا و تصور دیرینه از توانایی این کشور در توان حفظ نظم بین‌المللی وارد شده است.



**عبدالرحمن فتح‌اللهی**؛ در آستانه سفر رسمی دونالد ترامپ به چین، نگاه‌ها بیش از هر زمان دیگری به پکن دوخته شده است. سفری که به باور بسیاری می‌تواند فراتر از روابط دوجانبه آمریکا و چین، بر سرنوشت جنگ و تنش‌های جاری بی‌امسون ایران نیز اثرگذار باشد؛ به‌ویژه آنکه شامگاه یکشنبه، رئیس‌جمهور آمریکا با پاسخ تهران به بسته پیشنهادی واشینگتن موافقت نکرد؛ مسئله‌ای که بر پیچیدگی شرایط افزوده است. از این‌رو، نتایج گفت‌وگوی ترامپ و شسی جین‌یینگ می‌تواند تا حد زیادی ابهام‌های موجود درباره آینده تنش‌ها یا مسیر مذاکرات را روشن‌تر کند. هم‌زمان با اعلام رسمی سفر ترامپ به چین در فاصلهٔ ۲۳ تا ۲۵ در دپیهشت، مقامات چینی تأکید کرده‌اند که شی جین‌یینگ، رئیس‌جمهور چین و هم‌تای آمریکایی‌اش درباره «صلح و توسعه جهانی» و نیز اختلافات موجود میان دو کشور گفت‌وگو خواهند کرد؛ موضوعی که در شرایط فعلی منطقه، پرورنده ایران را به یکی از محورهای احتمالی رایزنی‌ها یا بدل کرده است. در همین چارچوب، سفر ۱۶ اردیبهشت عباس عراقچی به پکن و دیدار او با وانگ یی، وزیر خارجه چین نیز از سوی ناظران سیاسی به‌عنوان تلاشی برای تثبیت مواضع مشترک تهران و پکن پیش از دیدار شی و ترامپ ارزیابی می‌شود. عبدالرضا رحمانی‌فضلی، سفیر ایران در چین، در نشست خبری ۱۸ اردیبهشت سفارت ایران در پکن اعلام کرد تهران و پکن توافق کرده‌اند روی طرح چهارماده‌ای شی جین‌یینگ برای تقویت صلح و ثبات در خلیج فارس و خاورمیانه کار کنند؛ طرحی که بر همکاری منطقه‌ای، احترام به حاکمیت ملی کشورها، توسعه و امنیت جمعی تأکید دارد.

رحمانی فضلی همچنین با رد گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال فشار واشینگتن بر پکن برای تغییر موضعش در قبال ایران، تصریح کرد که روابط تهران و پکن بر پایه اعتماد متقابل و مقابله با یک‌جانبه‌گرایی شکل گرفته و چین تحت فشار آمریکا، رویکرد خود را تغییر نخواهد داد. این موضع‌گیری در حالی مطرح می‌شود که چین در روزهای اخیر بار دیگر بر تعمیق همکاری‌های راهبردی با روسیه نیز تأکید کرده و از تلاش برای شکل‌دهی به نظامی «عادلانه‌تر» در حکمرانی جهانی سخن گفته است. هم‌زمان، مقام‌های چینی اعلام کرده‌اند پکن آماده گسترش همکاری با آمریکا و مدیریت اختلاف‌ها برای ایجاد ثبات بیشتر در جهان است؛ موضعی که نشان می‌دهد چین می‌کوشد در بجهوجه تنش‌های خاورمیانه، هم نقش میانجی و بازنگر مسئول بین‌المللی را ایفا کند و هم موازنه خود با واشینگتن را حفظ کند. از همین رو، بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند دیدار پیش‌روی ترامپ و شی جین‌یینگ می‌تواند بر روند جنگ، آینده آتش بس شکننده و حتی مسیر مذاکرات احتمالی میان تهران و واشینگتن تأثیر مستقیم بگذارد. برای واکاوی دقیق‌تر ابعاد سفر پیش‌روی دونالد ترامپ به چین، دیدار او با شی جین‌یینگ و تأثیر احتمالی این رایزنی‌ها بر آینده و مسیر مذاکرات ایران، با محمدکاشورزاده، سفیر پیشین جمهوری اسلامی ایران در چین، به گفت‌وگو نشستیم‌ایم که در ادامه، مشروح آن را می‌خوانید.

- 
- 
- 

**✚ جناب کشورزاده، بسیاری معتقدند معادلات جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل بر ایران و به‌ویژه آینده مذاکرات با احتمال آغاز تنش‌ها، آن هم پس از پاسخ تهران به بسته واشینگتن، تا حدود زیادی مرتبط با سفر پیش‌روی دونالد ترامپ به چین و دیدار او شی جین‌یینگ است. آیا واقعا درباره این سفر و این دیدار اغراق می‌کنند یا خیر؟ آیا این سفر و این دیدار تا این اندازه مهم است که بر مسئله جنگی ایران تأثیر بگذارد؟**

برای پاسخ باید موضوع را درست دید. در واقع این سفر، هم به لحاظ منطقه‌ای و هم به لحاظ جهانی بسیار مهم است؛ زیرا چین دومین قدرت اقتصادی و نظامی جهان است و از سوی دیگر، ایالات متحده موضوعات مهمی در این سفر با طرف چینی مطرح خواهد کرد.

**✚ مسائل دوجانبه بیشتر مطرح است تا ایران؟**

طبیعتا مسائل دوجانبه اولویت خواهد بود؛ ازجمله اینکه جنگ تعرفه‌ای که بین آمریکا و چین وجود دارد، مسلما در این سفر نیز برسته خواهد بود. بااین حال، موضوع جنگ رمضان هم مهم است. به هر حال تفاوتی که در خلیج فارس رخ داده، تنگه هرمز افتاده و تأثیر آن بر روند انتقال انرژی در دنیا و تأمین انرژی جهان به‌ویژه برای چین، اهمیتی بسزا دارد. البته می‌دانید که این سفر ترامپ به چین به تعویق افتاد و تعویق‌افتادن این سفر باعث شد دستور کار مذاکرات به کلی تغییر کند. در بخش اول که قرار بود ترامپ به چین سفر کند، هنوز تنش‌های دریایی ایران مطرح نشده بود و آمریکایی‌ها فکر می‌کردند می‌توانند به شکست ایران وارد چین خواهند شد و به‌عنوان یک برگ برنده با چینی‌ها وارد مذاکره می‌شوند.

**✚ یعنی اکنون جنگ با ایران دستور کار دیدار شی و ترامپ را تغییر داده است؟**

بله؛ این دستور کاری به دیدار ترامپ و شی جین‌یینگ در چین تحمیل شده است؛ یعنی اگر آمریکا و چین الان نشینند و با هم صحبت کنند، مسلما جنگ خلیج فارس، تنش‌های منطقه‌ای و بحث تنگه هرمز از موضوعات مهم خواهد بود که حتما روی آن حرف خواهند زد.

**✚ چرا؟**

دلیلش این است که بالاخره یک‌پنجم انرژی جهان از تنگه هرمز عبور می‌کند و بخش عظیمی از آن تأثیراتش در قیمت نفت خواهد بود. علاوه بر آن، چین رابطه بسیار عمیقی با ایران دارد. چین به‌عنوان شریک تجاری اول ایران و کشوری که با ایران یک قرارداد ۲۵ساله دارد، موضوعات مهمی هستند که به نظر من تأثیر خواهد داشت. علاوه بر آن، چین کشوری دست‌دوم یا دست‌سوم نیست. یک قدرت اقتصادی جهانی است با عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل و ظرفیت‌های بسیار وسیع. حتما این ملاقات و مذاکراتی که بین ترامپ و شی جین‌یینگ ظرف دو روز در پکن انجام خواهد شد، باید مورد توجه باشد و تأثیرات خود را خواهد داشت.

**✚ کدام طرف دست بالاتر را در مذاکره دارد؟**

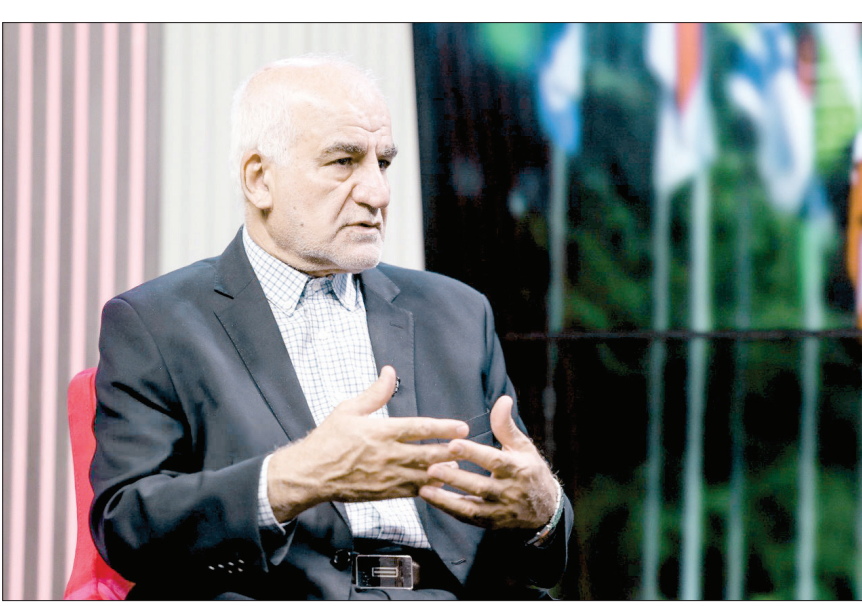
امریکایی‌ها تلاش زیادی داشتند تا از برگ‌های برنده خود در مقابل چینی‌ها استفاده کنند، ولی الان چینی‌ها هستند که دست بالاتر را دارند. فکر می‌کنم گرچه سفر ترامپ به چین با



**واکاوی دیدار ترامپ و شی جین‌یینگ بر آینده جنگ ایران در گفت‌وگوی (شرق) با محمدکاشورزاده**

# صلح پشت دیوار چین

**کشاورززاده: ترامپ سعی دارد از ظرفیت چینی‌ها برای برون‌رفت از بحران جنگ استفاده کند**



تشریفات کامل خواهد بود، این اخلاق و روش چینی‌هاست که میهمانان خود را در بالاترین سطح پذیرایی کنند و استقبال و بدرقه بسیار باشکوهی خواهند داشت، ولی نتایج آن برای آمریکایی‌ها جالب نخواهد بود و ترامپ وقتی به آمریکا برگردد، مورد حمله رسانه‌های گروهی و تحلیل‌گران مخالف قرار خواهد گرفت.

**✚ بسیاری معتقد بودند ترامپ قبل از دیداراش با شی جین‌یینگ باید کارت تهران را در جیب خود داشته باشد، چه با جنگ و چه با مذاکره و در نهایت توافق. تا الان اتفاقی نیفتاده است و همه چیز در تعلیق و آتش‌بس شکننده به سر می‌برد. ترامپ یکشنبه‌شب نیز بسته پیشنهادی ایران را رد کرد. حال در این کمتر از دو روزی که دیدار رؤسای جمهور چین و آمریکا مانده و در این چهارشنبه و پنجشنبه، سیر تحولات به سمت توافق می‌رود یا به سمت جنگ؟**

تحلیل قدری اغراق‌آمیز است.

**✚ به چه دلیل؟**

چون من فکر نمی‌کنم نظرات ترامپ چندان تعیین‌کننده باشد؛ به‌خصوص در موضوعات جنگ با ایران. به دلیل اینکه ترامپ تا حالا موارد متعددی را گفته و وعده‌هایی داده که نتیجه نرسیده است. اینکه آمریکایی‌ها بخواهند دست به یک اقدام تعیین‌کننده تا قبل از دیدار با شی جین‌یینگ بزنند، به نظر من زیاد زمینه آن برای ایالات متحده فراهم نیست؛ هم به لحاظ نظامی دست و پایشان بسته است وهم از نظر دیپلماتیک. آمریکایی‌ها اگر می‌توانستند تا حالا کاری را علیه ایران انجام می‌دادند؛ یعنی به لحاظ نظامی الان آمریکا نمی‌تواند کار خاصی طرف مثلا ۴۸ ساعت آینده تا دیدار ترامپ و شی انجام دهد؛ چون الان عملا مذاکرات تجاری آمریکا و چین شروع شده، در کره جنوبی و برخی نهادهای آمریکایی مذاکرات را آغاز کرده‌اند. بنابراین فکر نمی‌کنم این‌گونه و در این وضعیت، آمریکا دست به اقدامی بزند.

**✚ پس راه مذاکره باز می‌شود. آن هم با رد پاسخ تهران از سوی ترامپ؟**

ترامپ درواقع سعی خواهد کرد بیشتر از ظرفیت چینی‌ها برای برون‌رفت از این بحران جنگ علیه ایران استفاده کند؛ به دلیل اینکه الان خود آمریکایی‌ها هم می‌دانند و خود ترامپ هم دقیقا می‌دانست که تمام کارت‌هایش را در قبال ایران بازی کرده و کارت دیگری نمانده که بخوهد بازی کند. و درست در این وضعیت قرار است که ترامپ به پکن برود. هم‌زمان هیئت کامل‌تجاری و اقتصادی، متشکل از شرکت‌های بزرگ آمریکایی و همین‌طور مقاماتی ازجمله وزیر خزانه‌داری و مقامات اقتصادی آمریکا و همین‌طور مقاماتی مثل آقای مارکو روبیو (وزیر خارجه) که احتمالا زودتر برود، در سفر ترامپ حضور دارند. البته می‌دانید که مارکو روبیو مشکل تحریم چین را دارد؛ مارکو روبیو زمانی که سنا‌تور بود، از سوی چینی‌ها تحریم شد و الان احتمالا چینی‌ها باید یک امتیاز و ارفاقی به آمریکایی‌ها و شرکت‌های چین بدهند که در این مدتی که به پکن می‌آید، تحریم‌های چین روی او تأثیر نداشته باشد. این باعث خفت و خواری تیم ترامپ و وزیر خارجه آمریکا هم هست که یک کشور و فردی که همه دنیا را تحریم می‌کرد، الان از سوی چین تحریم شده و با چرسب تحریمی وارد چین شود. البته من فکر می‌کنم چینی‌ها با ظرافت این سفر در مدیریت می‌کنند.

**✚ در گفت‌وگوی پیشین، شما به راهبرد سنتی پکن مبنی بر پرپیژ از ورود مستقیم به بحران‌ها، به‌ویژه تنش‌های خلیج فارس، اشاره داشتید. اما اکنون به نظر می‌رسد با توجه به جایگاه فراینده چین در معادلات جهانی و نیز روابط هم‌زمان و گسترده‌اش با ایران و کشورهای عربی منطقه، پکن ناگزیر از ایفای نقش مؤثرتر در تحولات خاورمیانه شده است. از نگاه شما، آیا چین در شرایط کنونی دیگر نمی‌تواند سیاست فاصله‌گذاری از بحران‌های منطقه‌ای را ادامه دهد؟ و اساسا آیا اراده و تمایلی در سطوح عالی حاکمیتی چین برای ورود فعال‌تر به پرونده تنش‌های ایران وجود دارد؟**

این سیاست دوری چین از بحران، جزه تفکرات کنفوسیوسی است که در راهبرد کلان چین تعریف شده که وارد هیچ درگیری نظامی در خارج از مرزهای‌شان نشوند و هر نوع ورودی به جنگ فقط باید دفاعی باشد؛ یعنی چین وارد هیچ اتحادیه نظامی برای جنگ نشود، بنابراین چین سعی کرده که به نحوهای مختلف در کاهش تنش در منطقه خلیج فارس اقدام کند. اقداماتی که آقای گانگ انجام داد و طرح صلحی که مطرح کردند، نشان از این است که چینی‌ها خواسته‌اند کاهش تنش را پیش ببرند. قبل‌تر از این هم اقدامات مشابهی کرده‌اند و درواقع میانجیگری بین ایران و عربستان انجام دادند و باعث شدند که روابط دو کشور احیا و برقرار شود. حالا من فکر می‌کنم چینی‌ها تلاش خودشان را به‌عنوان تسهیلگر در مذاکرات ایران و آمریکا انجام می‌دهند.

اما مناسبات بین پکن و تهران متفاوت است. برای مثال شما می‌دانید روابط ویژه‌ای بین پاکستان و چین وجود دارد و پاکستان تنها کشوری است که چینی‌ها از روابط‌شان با آنها به‌عنوان «اتحاد



**شده از رئیس‌جمهور چین درباره ارسال نکردن تسلیحات به ایران تضمین گرفته، اما به ادعای او، پکن به این‌تعهد بایبند نمانده است. از سوی دیگر، شما در گفت‌وگوهای قبلی با همین روزنامه (شرق) بعد از جنگ ۱۲روزه تأکید داشتید که مناسبات تسلیحاتی ایران نیازمند بازسازی است. حال با توجه به فضای پرتنش کنونی و فشارهای مستقیم واشینگتن بر پکن، ارزیابی شما چیست؟ آیا اساسا چین حاضر است هزینه ورود جدی‌تر به همکاری‌های تسلیحاتی با ایران را بپردازد یا همچنان ملاحظاظ اقتصادی و تقابلس راهبردی‌اش با آمریکا، مانع از چنین سطحی از همراهی خواهد شد؟**

اولا چینی‌ها اعلام کردند که بعد از آتش‌بس، ما هیچ تسلیحاتی به ایران ندادیم. این نظر رسمی دولت چین است، ولی اینکه شرکت‌های چینی با ایران کار کنند، خوب، آن یک بحث دیگر است که من از جزئیاتش خبر ندارم. ممکن است به صورت محرمانه این کارها انجام شده باشد. ولی من می‌خواهم این‌تکته را خدمت‌تان عرض کنم که با وجود تهدید آمریکایی‌ها به تحریم چین، چینی‌ها این‌تهدیدها را نپذیرفتند. حتی درمورد پالایشگاه‌های‌شان هم گفتند که ما به‌هیچ‌عنوان این تحریم‌های آمریکا را اعمال نمی‌کنیم؛ چون چینی‌ها اصلا تحریم‌های ثانویه را قبول ندارند و آن را دخالت در امور داخلی خودشان می‌دانند. به نظر من این صحبت‌هایی که ترامپ مطرح کرده، یک مقدار بیشتر حرفای زوده تا اینکه به یک نتیجه قابل حصولی برسند.

**✚ چرا؟**

دلیلش این است که چین به لحاظ اقتصادی کشور قدرتمندی است. آمریکا اگر بخواهد چین را تحریم کند، خودش متضرر می‌شود. چین چیزی حدود ۱۵ تا ۱۶ تریلیون دلار روابط تجاری خارجی با دنیا دارد و آمریکا چیزی در حدود ۵۰۰،۰۰۰ میلیارد دلار مناسبات با چین دارد. حالا شما حساب کنید کشوری با این قدرت اقتصادی می‌تواند معادلات خاص خود را داشته باشد و درواقع الان محاسبات آمریکا که هم ریخته است و الان نمی‌تواند تغییراتی که ترامپ می‌زند یا حرف‌هایی که زده و با سیاست‌هایی که در پیش گرفته، حتی با متحدان نزدیک خود آمریکا هم به بن‌بست رسیده و دچار مشکل است و در واقع نتوانسته اجماعی را در قبال جنگ با ایران کسب کند و ورزش را اکترت را در کناره و سنا دارند، هنوز نتوانسته‌اند اجماع را در آمریکا ایجاد کنند. به نظر من روزبه‌روز تنش‌های دیگر با بعد از جنگ نزدیک‌ترین متحدانش، دارند این اعتماد به نفس را بعد از جنگ ایران و آمریکا به دست می‌آورند که در مقابل زورگویی ترامپ بايستند و ایران در واقع یک الگویی شده برای مقابله با زورگویی آمریکا.

**✚ یک سؤال راهبردی از این بابت که خیلی‌ها باور دارند ۲۰۲۴. سال تعیین تکلیف پرونده‌هایی مثل کویت، ونزولا و ایران است. چون ۲۰۲۲ و ۲۰۲۸ به عنوان دو سال پایان ریاست‌جمهوری ترامپ، سال‌های تعیین تکلیف کلان‌تنش آمریکا و چین خواهد بود. از این‌رواگر چینی‌ها در موضوع جنگ ایران بتوانند برگ برنده‌ای به دست بیاورند یا بتوانند آمریکا را تضعیف کنند، این پروژه علیه چین شکست می‌خورد. ولی اگر آمریکا بتواند از موضع برتر بترسد ایران را جمع کند، پکن مجبور است در مرزهای خودش و بخش‌ها تایوان با آمریکا مقابله کند. آیا واقعا این تحلیل درست است؟**

نه، فکر می‌کنم این یک خرده بزرگ‌نمایی باشد. ببینید، موضوع جنگ ایران و آمریکا موضوع مهمی است، ولی اهمیتش به اندازه موضوع تایوان نیست. موضوع تایوان جزء خطوط قرمز چینی‌هاست. آمریکایی‌ها ولی الان دشمن اصلی خود را چین می‌دانند. پس به عنوان آمریکایی‌ها حاضر نیستند در مقابل چینی‌ها در موضوعات اساسی کوتاه بایند، حتی در مورد دریای جنوبی چین یا در بحث‌های تعرفه‌ای و ….. شما مطمئن باشید ترامپ وقتی از سفر چین برگردد به آمریکا، مورد هجوم سنگین مخالفان خودش قرار خواهد گرفت. در همین تیمی هم که الان با ترامپ به پکن می‌رود، افرادی هستند که مخالف سرسخت چین هستند؛ نمونه بارز خودش همین آقای مارکو روبیو است. این اصلا دشمن اصلی چین است و یکی از افتخاراتش این بود که مخالف چین بوده و به خاطر همین هم چینی‌ها او را تحریم کردند. این‌چوری نیست که مشکل آمریکا و چین به این راحتی حل شود. مشکل، مشکل زیادی است؛ بنابراین ۲۰۲۲ و ۲۰۲۸ به عنوان دو سال پایانی ریاست‌جمهوری ترامپ، سال‌های تعیین تکلیف کلان‌تنش آمریکا و چین نخواهند بود، چون چین یک قدرت اقتصادی است و روزبه‌روز قدرتش گسترش پیدا می‌کند و پایه‌های اقتصادی‌اش در حال تقویت است. آمریکا هم می‌کند و پایه‌های اقتصادی‌اش در حال تقویت است. آمریکا هم می‌کند، البته نه به‌لحاظ نظامی، بلکه اقتصادی. شما الان نگاه کنید وضعیت رشد اقتصادی چین بالای چهار درصد است، حجم تجارت خارجی‌اش را ببینید، حجم اقتصادش را ببینید که بالای ۲۰ تریلیون دلار است. اینها همگی باعث تضعیف دلار می‌شود و روی آوردن کشورها به یوان همگی تجارت، حتی کشورهای اروپایی هم کم‌کم دارند به سمت چین کشیده می‌شوند. اسپانیا را ببینید، بعد انگلیس، ایتالیا، فرانسه و…؛ اینها متحدان اصلی آمریکا بودند. این شرایط، شرایطی نیست که آمریکایی‌ها به‌راحتی بتوانند چین را مهار کنند. خیلی تلاش دارند به لحاظ نظامی اقداماتی انجام دهند و تحریم‌هایی علیه چین اعمال کنند که البته تحریم علیه چین دیگر مؤثر نیست. کاری که

چینی‌ها می‌کنند این است که تحریم‌های آمریکا را بی‌اثر کنند. به محض اینکه ترامپ اعلام کرد فلان کشور را تحریم می‌کنم، چینی‌ها اقدامات متقابل انجام دادند؛ مثلا ورود برخی جنگ در مواد کمپاب که این خودش مشکلات زیادی برای آمریکا ایجاد کرد. شاید اغراق‌آمیز نباشد اگر بگویم الان آمریکا بیشتر به چین نیاز دارد تا چین به آمریکا. چین به دلیل اینکه قوتور رو به رشدی دارد، وارد بحران‌های بین‌المللی نشده و جنگ‌های ناخواسته ایجاد نکرده است. الان ببینید آمریکا با جاهای مختلف دنیا درگیر است و همین سیاست‌هایی که آمریکا دارد باعث شده روزبه‌روز آمریکا منزوی‌تر شود. یک زمانی در سازمان‌های بین‌المللی، آمریکا قدرت تام بود و همه کشورها پشت سرش بودند، ولی الان برای یک موضوع مانع ایران نمی‌تواند کشورهای همسورا بسنج کند.

**✚ گفت‌وگو کامل را در سایت شرق بخوانید**